

## بررسی دعاوی مرتبط مستنبط از ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م ایران و تطبیق با حقوق فرانسه

رحیم مختاری<sup>۱</sup>، زهرا راسخ<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

### چکیده

در حقوق ایران، دعاوی مرتبط به دعاوایی اطلاق می‌شود که میان آن‌ها ارتباط معناداری وجود داشته باشد و تصمیم‌گیری در یک دعوا بر دیگری تأثیر بگذارد. در حقوق فرانسه، دعاوی مرتبط بر اساس سه معیار: ارتباط موضوعی، سببی و شخصی تعریف می‌شود. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای دعاوی مرتبط در حقوق ایران و فرانسه است. این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی بهره می‌برد و با تحلیل مقایسه‌ای مفاد مواد قانونی در هر دو سیستم، به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نحوه تجمیع و رسیدگی به دعاوی مرتبط می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حقوق ایران بر "ارتباط کامل" دعاوی تأکید دارد و دادگاه‌ها موظف به رسیدگی هم‌زمان به دعاوی مرتبط هستند. در حالی که در حقوق فرانسه، قاضی انعطاف بیشتری در تصمیم‌گیری دارد و می‌تواند دعاوی با "ارتباط کافی" را تجمیع کند. در ارتباط با چالش‌ها و مسائل عملی در ماده ۱۰۳ آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه باید بیان نمود که چالش در چند حالت متصور است. اول) در یک شعبه از یک مرجع، در شعبه‌های گوناگون یک مرجع قضاوتی دوم) در دو یا چند مرجع هم عرض باشد. در ایران، اگر دعاوی مرتبط در شعبه‌های مختلف مطرح شوند، دادگاه موظف به رسیدگی هم‌زمان است. در فرانسه، این امر به تصمیم قاضی بستگی دارد. چالش‌ها در تشخیص ارتباط دعاوی و نحوه ادغام پرونده‌ها از مواردی است که در هر دو کشور با تفاوت‌هایی روبه‌رو است.

**واژگان کلیدی:** دعاوی مرتبط، تجمیع دعاوی، دادگاه، صلاحیت، ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م. ایران، ماده ۱۰۱ ق. آ. د. م. فرانسه

## مقدمه

ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران یکی از مقررات مهم و کاربردی در نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود که به تجمیع دعاوی مرتبط و لزوم رسیدگی به آن‌ها به صورت یکپارچه تأکید دارد. طبق این ماده، در صورتی که دعاوی مرتبط با یکدیگر در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه باید به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی کند. در صورتی که دعاوی در شعب مختلف دادگاه مطرح شوند، لازم است که در یکی از شعب رسیدگی به آن‌ها صورت گیرد و رئیس شعبه اول مسئول هماهنگی این امر خواهد بود. همچنین، این ماده به وکلا و طرفین دعا تکلیف می‌کند که دادگاه را از وجود دعاوی مرتبط مطلع سازند.

ضرورت توجه به ماده ۱۰۳ و هدف آن در کاهش تضاد آرای قضائی، تسهیل در فرآیند دادرسی و کاهش هزینه‌های دادرسی باعث می‌شود که بررسی این ماده و مقایسه آن با مقررات مشابه در سایر نظام‌های حقوقی، به ویژه حقوق فرانسه، ضروری به نظر برسد. حقوق فرانسه نیز با داشتن ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مشابه‌ای به تجمیع دعاوی مرتبط پرداخته است، با این تفاوت که در حقوق فرانسه انعطاف‌پذیری بیشتری در اعمال این قانون وجود دارد. بنابراین، تطبیق و تحلیل این دو ماده در دو نظام حقوقی مختلف می‌تواند به درک بهتری از شیوه‌های مختلف تجمیع دعاوی و آثار آن‌ها منتهی شود.

این پژوهش به بررسی تطبیقی ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه پرداخته و محورهای مختلفی مانند مضمون این مواد، آثار آن‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مورد تحلیل قرار خواهد داد. به ویژه، تحلیل نحوه تجمیع دعاوی و تأثیر آن در تسریع دادرسی و کاهش هزینه‌ها در هر دو نظام مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین، به تفاوت‌های موجود در اجرای این قانون در دو کشور و اثر آن بر تصمیم‌گیری‌های قضائی پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد قانونی موجود، اطلاعات جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل خواهد شد. هدف اصلی این پژوهش ارائه تحلیلی دقیق از تطبیق و تفاوت‌های مواد ۱۰۳ و ۱۰۱ و اثرات آن‌ها در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه است.

## ۱- مفاهیم و تعاریف اولیه

ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران به ارتباط دعاوی و امکان رسیدگی توأمان آن‌ها اشاره دارد که نقش مهمی در جلوگیری از صدور آرای متعارض و تسریع دادرسی ایفا می‌کند. دعاوی مرتبط، به دلیل اشتراک در منشأ، سبب یا تأثیرگذاری در نتیجه یکدیگر، نیازمند بررسی دقیق در نظام‌های حقوقی مختلف هستند. در این پژوهش، ماهیت این دعاوی در حقوق ایران و فرانسه مورد تحلیل و تطبیق قرار می‌گیرد تا وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص شود.

## ۱-۱ تعریف دعاوی مرتبط در قانون آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه

در نظام حقوقی ایران دعاوی مرتبط به دعاوی اطلاق می‌شود که میان آن‌ها ارتباط معناداری وجود داشته باشد به طوری که تصمیم‌گیری در یک دعوا بر دیگری تأثیرگذار باشد. در تعریفی دیگر، دعوائی که یکی از متداعیین در ارتباط با دعاوی در جریان رسیدگی خود علیه طرف مقابل طرح می‌کند، دعاوی مرتبط نامیده می‌شود. این دعوا در صورتی که با دعاوی در جریان رسیدگی ارتباط کامل داشته باشد، با هدف اجرای صحیح عدالت و احتراز از صدور آرای متعارض، همراه با دعاوی اخیر، به آن رسیدگی می‌شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۹). این ارتباط می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مانند موضوع، سبب یا اصحاب دعوا باشد. در صورتی که دعاوی مرتبط به طور جداگانه رسیدگی شوند، احتمال صدور آرای متناقض و تضاد در تصمیم‌گیری وجود دارد، که این امر موجب ایجاد مشکلات اجرایی و قانونی خواهد شد. به عبارت دیگر، دعاوی مرتبط آن دسته از دعاوی هستند

که به‌طور منطقی و حقوقی به یکدیگر پیوسته‌اند و رسیدگی هم‌زمان به آن‌ها در یک دادگاه ضروری است تا از تضاد آرای قضائی جلوگیری شود و کارآیی نظام دادرسی افزایش یابد (شمس، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۳۴). در حقوق فرانسه، مفهوم دعوای مرتبط به‌طور مشابه تعریف شده است و برای تشخیص ارتباط دعوای، سه معیار اصلی در نظر گرفته می‌شود: ارتباط موضوعی، ارتباط سببی و ارتباط شخصی. این معیارها به دادگاه‌ها کمک می‌کنند تا تشخیص دهند که آیا دعوای مختلف باید به‌طور هم‌زمان در یک دادگاه مطرح شوند یا خیر (Malaurie, 2020, p178). با مقایسه تعاریف دعوای مرتبط در حقوق ایران و فرانسه می‌توان دریافت که هر دو نظام حقوقی بر لزوم رسیدگی یکپارچه به دعوای مشابه تأکید دارند تا از تعارض آرای قضائی و کندی فرایند دادرسی جلوگیری شود. با این حال، در حقوق فرانسه معیارهای مشخص‌تری برای تعیین ارتباط دعوای تدوین شده است که می‌تواند الگویی مناسب برای اصلاح و تکمیل نظام حقوقی ایران در این حوزه باشد.

## ۲-۱ چارچوب مفهومی ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م در حقوق ایران و فرانسه

**الف) رسیدگی به دعوای مرتبط در یک دادگاه:** در حقوق ایران، طبق ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که دعوای مرتبط با دعوای اصلی در همان دادگاه مطرح شده باشند، دادگاه مکلف است به تمامی آن‌ها به‌صورت یکجا رسیدگی کند. این قاعده به‌منظور جلوگیری از صدور آرای متناقض و تسریع در روند رسیدگی طراحی شده است و به‌ویژه در دعوای پیچیده یا مشابه که ممکن است در صورت رسیدگی جداگانه با تضاد آرا مواجه شوند، کمک می‌کند تا هماهنگی و دقت در فرآیند قضائی تأمین شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۹؛ خالقیان، ۱۴۰۰: ۲۹۱). در حقوق فرانسه نیز طبق ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، مقام قضائی موظف است که دعوای مرتبط با یکدیگر را در یک فرآیند واحد رسیدگی کند. هدف این اقدام، جلوگیری از تضاد آرا و تسهیل در رسیدگی به دعوای متعدد است. این رویکرد به دادگاه‌ها این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثرتر به دعوای مختلف رسیدگی کنند و از مشکلات اجرایی و قانونی ناشی از رسیدگی‌های پراکنده جلوگیری نمایند (Fricero, 2016: ۲۰۱۶؛ Guinchard, 2018: ۳۷۴). این تطبیق میان حقوق ایران و فرانسه نشان‌دهنده هم‌راستایی در زمینه پذیرش دعوای مرتبط در یک دادگاه است. هر دو سیستم حقوقی به دنبال افزایش کارآیی دادرسی و جلوگیری از تضاد آرا هستند، اما با تفاوت‌هایی در نحوه اجرایی شدن این اصل. در حقوق ایران تأکید بیشتر بر تجمیع دعوای مرتبط در یک دادگاه است، در حالی که در فرانسه تصمیم‌گیری درباره تجمیع دعوای مرتبط بر عهده مقام قضائی قرار دارد.

**ب) رسیدگی در صورت طرح دعوای مرتبط در چند شعبه مختلف:** در حقوق ایران، طبق ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه دعوای مرتبط در چند شعبه متفاوت از یک دادگاه مطرح شده باشند، رئیس شعبه اول موظف است یکی از شعب را برای رسیدگی به تمامی دعوای مرتبط تعیین کند. این اقدام باعث تجمیع دعوای در یک شعبه خاص و رسیدگی متمرکز به آن‌ها می‌شود که هدف آن تضمین انسجام در رسیدگی، کاهش احتمال تضاد آرای صادره، و تسهیل در فرآیند دادرسی است (محسنی، ۱۳۹۱: ۸۴). در حقوق فرانسه نیز مشابه این اقدام وجود دارد. طبق ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، اگر دعوای مرتبط در شعب مختلف دادگاه مطرح شوند، مقام قضائی باید تصمیمی بگیرد که تمامی دعوای در یک فرآیند قضائی واحد رسیدگی شوند. این تصمیم نیز هدف اصلی را در تسهیل رسیدگی و جلوگیری از تضاد آرا دنبال می‌کند (Fricero, 2016: 106؛ Guinchard, 2018: 374). چنین رویکردی درحقوق فرانسه انعطاف‌پذیرتر است، به‌طوری‌که ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه پیش‌بینی می‌کند که اگر بین دعوای ارتباطی وجود داشته باشد که رسیدگی به آن‌ها توأمان ضروری باشد، می‌توان درخواست کرد که دعوای به مرجع قضائی دیگر ارسال شوند (Guinchard, 2021: 358؛ Pierre Ancel, 2019: 123؛ شمس، ۱۳۸۷: ۴۲۹؛ محسنی، ۱۳۹۱: ۸۲). برخی از حقوق‌دانان فرانسوی

دعاوی مرتبط را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که از نظر سبب یا موضوع یکسان نباشند، اما تصمیم‌گیری در یکی از آن‌ها بر دیگر دعاوها تأثیرگذار باشد (Chainais et Guinchard, 2018: 374). تفاوت اصلی میان دو نظام حقوقی در این است که در حقوق ایران، تجمیع دعاوی مرتبط به عنوان یک الزام قانونی مطرح است و دادگاه موظف به رسیدگی به آن‌ها به صورت یکجا است، در حالی که در فرانسه قاضی در تصمیم‌گیری برای تجمیع دعاوی، بیشتر بر اساس صلاحدید خود و اقتضای عدالت عمل می‌کند.

**ج) وظیفه وکلا و اصحاب دعا در دعاوی مرتبط ناشی از ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م:** در حقوق ایران، بر اساس ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وکلا یا طرفین دعا موظف‌اند دادگاه را از وجود دعاوی مرتبط مطلع کنند. این تکلیف قانونی به منظور تسهیل فرآیند تجمیع دعاوی و جلوگیری از پراکندگی پرونده‌ها در سیستم قضائی وضع شده است. اطلاع‌رسانی وکلا و اصحاب دعا نقش مهمی در اجرای صحیح این ماده و ایجاد هماهنگی در فرآیند دادرسی دارد. از آنجا که تجمیع دعاوی مرتبط می‌تواند به تسهیل رسیدگی، کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از صدور آرای متناقض منجر شود، این اقدام به عنوان یک ابزار ضروری در راستای بهبود کارآیی سیستم قضائی به شمار می‌آید (خالقیان، ۱۴۰۰: ۲۹۳). در حقوق فرانسه نیز وظیفه مشابهی برای وکلا و اصحاب دعا وجود دارد. طبق ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، وکلا و طرفین دعا باید از وجود دعاوی مرتبط به دادگاه اطلاع دهند تا امکان تجمیع آن‌ها در یک فرآیند قضائی واحد فراهم شود. این اطلاع‌رسانی در نظام قضائی فرانسه به ویژه برای جلوگیری از پراکندگی رسیدگی‌ها و هماهنگی بهتر در قضائی اهمیت دارد (Fricero, 2016: 106).

### ۳-۱ اهداف تجمیع دعاوی مرتبط متاثر از ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م در حقوق ایران و فرانسه

**الف) جلوگیری از صدور آراء متعارض:** مفاد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی در حقوق ایران و ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه بر تمرکز رسیدگی به دعاوی مرتبط تأکید دارند تا از صدور آراء متناقض جلوگیری کرده و عدالت را در دادرسی‌ها حفظ کنند. در حقوق ایران، قانون‌گذار این امکان را برای خواهان فراهم می‌آورد که دعاوی مرتبط را در یک پرونده مطرح کند تا تصمیم‌گیری به صورت همزمان و جامع انجام گیرد (خالقیان، ۱۴۰۰: ۳۰۳؛ مقصودیپور، ۱۳۹۱: ۳۹۵). این روش موجب جلوگیری از تکرار دعاوی و تسهیل در کشف حقیقت می‌شود و به ویژه در راستای هدف اصلی دادرسی یعنی فصل خصومت و عدالت است. در نظام حقوقی فرانسه، برای پیشگیری از صدور آرای متعارض، الزام به طرح تمامی ادعاهای مرتبط در یک دادخواست وجود دارد که موجب بررسی همزمان دعاوی مرتبط در یک دادگاه می‌شود و از وقوع آرای متناقض جلوگیری می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۹). با این حال، برخی از نویسندگان معتقدند که توسعه صلاحیت در دعاوی مرتبط در حقوق ایران به گستردگی نظام دادرسی فرانسه نیست. در حقوق ایران، قاضی برای تجمیع دعاوی محدودیت‌های بیشتری دارد و تأکید بیشتری بر الزامات قانونی است، در حالی که در فرانسه دادرسان آزادی بیشتری در تصمیم‌گیری دارند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت به هدف مشابه جلوگیری از تضاد آرا و تسهیل فرآیند دادرسی است.

**ب) تسریع در رسیدگی و کاهش هزینه:** تسریع در رسیدگی و کاهش هزینه‌های دادرسی یکی از اهداف اصلی تجمیع دعاوی مرتبط در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه است (امامی، ۱۳۹۲: ۱۰). رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط، علاوه بر کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها، هزینه‌های دادرسی را کاهش داده و بار کاری دستگاه قضائی را سبک می‌کند. در حقوق ایران، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بر "ارتباط کامل" میان دعاوی تأکید دارد. این ماده، تجمیع دعاوی را مشروط به تأثیر مستقیم تصمیم‌گیری در یک دعا بر دعاوی دیگر می‌کند و از طرح دعاوی بی‌ارتباط جلوگیری می‌کند. همچنین، این

روش به کاهش هزینه‌ها و تسهیل در اجرای عدالت کمک می‌کند (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۰؛ خالقیان، ۱۴۰۰: ۲۹۷). در حقوق فرانسه، ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی به قاضی اجازه می‌دهد تا دعای مرتبط را با توجه به "ارتباط کافی" میان آن‌ها تجمیع کند. این سیستم انعطاف‌پذیرتر است و به قاضی امکان می‌دهد تا با توجه به پیچیدگی پرونده‌ها، تصمیم به رسیدگی همزمان یا جداگانه بگیرد (Cayrol, 2020: 425; Vincent, 2001: 444). هر دو سیستم بر تسریع رسیدگی و کاهش هزینه‌ها تأکید دارند، اما تفاوت‌های ساختاری و فلسفی آن‌ها موجب رویکردهای متفاوتی شده است. در ایران، الزام به رسیدگی همزمان دعای مرتبط در یک دادگاه خاص وجود دارد، در حالی که در فرانسه، قضات اختیار دارند که بسته به شرایط پرونده، تصمیم به تجمیع یا رسیدگی جداگانه بگیرند. این انعطاف‌پذیری در فرانسه ممکن است گاهی به طولانی شدن دادرسی منجر شود، اما به دستگاه قضایی اجازه می‌دهد که براساس شرایط هر پرونده عمل کند. این مقایسه نشان می‌دهد که حقوق ایران می‌تواند از تجربیات حقوق فرانسه بهره‌برداری کرده و با تعریف گسترده‌تر از ارتباط دعای و پیش‌بینی اختیارات بیشتر برای قضات، کارایی دستگاه قضایی خود را بهبود بخشد.

**ج) فیصله دادن به کلیه اختلافات:** رعایت عدالت و تأمین قضای شایسته و فیصله دادن به کلیه اختلافات، ضرورت اجرای مفاد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی را تبیین می‌کند. این امر ایجاب می‌کند که به تمامی دعای مرتبط، به‌صورت یکجا رسیدگی شده (حداد، ۲۰۱۰: ۱۶۷) و با صدور رأی واحد، تکلیف همه آن‌ها به‌طور کامل روشن شود (شمس، ۱۳۸۸: ۵۴/۱؛ مهاجری، ۱۳۸۸: ۳۵۶). نتیجه‌ی مستقیم اجرای صحیح عدالت، احتراز از صدور آرای متعارضی است که «جمع بین دو حکم یعنی اجرای هر دو با هم را غیر ممکن» خواهد نمود (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۲۱۴/۱). همچنین، هنگامی که دادرس به هر دو دعوا با هم توجه می‌کند، جوانب امر را بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در ارزیابی خود از موضوع مورد اختلاف با نگاهی فراگیرتر در جهت کشف حقیقت و فصل خصومت بر می‌آید. همین امر سبب می‌شود قاضی در رأی خود با دقتی بیشتر از قبل اظهار نظر نماید. بدین خاطر رأی او با اصول اخلاقی، عدالت و انصاف سازگاری بیشتری دارد (امامی، ۱۳۹۲: ۸). این مهم در ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه بیان شده است (محسنی: ۱۳۹۱: ۸۲). نظر نگارنده بر این است که رعایت عدالت و جلوگیری از صدور آرای متعارض، مبنای مشترک هر دو نظام حقوقی است، اما تفاوت‌هایی در نحوه اجرای این اصول وجود دارد. در ایران، ارتباط کامل میان دعای شرط اساسی رسیدگی یکجا است، در حالی که در فرانسه، تعریف گسترده‌تری از دعای مرتبط ارائه شده است. علاوه بر این، نظام فرانسه اختیار بیشتری به قاضی داده است تا تصمیم بگیرد آیا ادغام دعای و رسیدگی توأمان عملی و عادلانه است یا خیر. این انعطاف‌پذیری، برتری نظام فرانسه را در مدیریت دعای پیچیده نشان می‌دهد.

## ۲- الزامات دعای مرتبط ناشی از ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م در ایران و فرانسه

از شرایط تحقق ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی در حقوق ایران و فرانسه وجود حداقل دو دعوا است که ارائه توضیحات در این زمینه به تطبیق موضوع کمک می‌کند.

### ۱-۲ الزام به "وجود حداقل دو دعوا" در تحقق دعای مرتبط ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م

با توجه به ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی برای آنکه بتوان دعای را به یکدیگر مرتبط دانست وجود حداقل دو دعوی ضروری است. تعدد دعای در فرضی مصداق دارد که دعای در رکن خواسته یا موضوع منطبق بر یکدیگر و یکسان نباشند (مهاجری، ۱۳۹۲: ۲۶۸). چراکه در این فرض حقیقتاً با دو دعوی مواجه نیستیم بلکه یک دعوی دو بار مطرح گردیده است.

همچنین بدیهی است که وجود بالقوه ادعاها کافی نبوده بلکه برای اینکه عنوان دعاوی مرتبط بر آن حمل شود لازم است که اقامه و رسیدگی آن‌ها آغاز شده باشند (مدنی، ۱۳۷۸: ۶۰۳). در نظام دادرسی مدنی فرانسه نیز این وجود دو دعوا جهت ادغام دعاوی مرتبط و رسیدگی وجود دارد که با لفظ (des affaires) این موضوع وجود دو دعوا همزمان در یک دادرسی مورد پذیرش قرار گرفته است (Chainais et Guinchard, 2018: 374). در تطبیق ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران با ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که هر دو نظام حقوقی را در تعریف و مدیریت دعاوی مرتبط از یکدیگر متمایز و در عین حال به هم نزدیک می‌کند. یکی از شباهت‌های اصلی میان این دو نظام حقوقی، ضرورت وجود حداقل دو دعوی مستقل برای شناسایی و تجمیع دعاوی مرتبط است. در حقوق ایران، این تعدد دعاوی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که دعاوی در رکن خواسته یا موضوع یکسان نباشند؛ چرا که اگر خواسته یا موضوع یکسان باشد، دیگر با دو دعوی مجزا مواجه نیستیم، بلکه یک دعوی واحد به‌طور تکراری مطرح شده است. علاوه بر این، در حقوق ایران وجود بالقوه دعاوی کافی نیست و دعاوی مرتبط زمانی تحقق می‌یابند که اقامه شده و رسیدگی به آن‌ها آغاز شده باشد. در نظام دادرسی مدنی فرانسه نیز وجود دو دعوی مستقل برای شناسایی دعاوی مرتبط الزامی است. واژه مذکور نشان می‌دهد که برای بررسی ارتباط میان دعاوی، وجود همزمان حداقل دو دعوی مستقل ضروری است. علاوه بر این، همزمانی اقامه دعاوی و آغاز رسیدگی به آن‌ها نیز در نظام حقوقی فرانسه معیاری اساسی برای تصمیم‌گیری درباره تجمیع و رسیدگی توأمان به دعاوی مرتبط است. با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی در نحوه برخورد این دو نظام حقوقی با دعاوی مرتبط مشاهده می‌شود. در نظام حقوقی ایران، تأکید اصلی بر تجمیع دعاوی مرتبط در چارچوب یک دادگاه یا شعبه واحد است و این امر به‌صورت تکلیف قانونی بر عهده دادگاه قرار دارد. در مقابل، نظام دادرسی مدنی فرانسه انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهد و امکان انتقال دعاوی به مرجع قضایی دیگر برای رسیدگی هماهنگ را فراهم می‌کند. بنابراین، در هر دو نظام، تعدد واقعی دعاوی و آغاز رسیدگی رسمی به آن‌ها به‌عنوان دو شرط بنیادین برای تحقق دعاوی مرتبط شناخته شده‌اند. این شروط، علاوه بر ایجاد چارچوبی منسجم برای تعریف دعاوی مرتبط، از ادغام نادرست دعاوی غیرمرتبط و تحمیل بار اضافی بر نظام قضایی جلوگیری می‌کنند. در عین حال، انعطاف‌پذیری نظام حقوقی فرانسه در مدیریت دعاوی مرتبط، تفاوت مهمی است که با ساختار قضایی متمرکزتر نظام حقوقی ایران تمایز ایجاد می‌کند.

## ۲-۲ الزام به "ارتباط دعاوی" در تجمیع دعاوی مرتبط ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م

در حقوق ایران و فرانسه، تجمیع دعاوی مرتبط بر اساس معیار "ارتباط کامل" در ایران و "ارتباط کافی" در فرانسه انجام می‌شود. این دو معیار در مواد ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. هدف هر دو سیستم، جلوگیری از صدور آرای متناقض و تسهیل فرایند دادرسی است، اما تفاوت‌هایی در نحوه تعریف و دامنه این ارتباط وجود دارد. در حقوق ایران، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بر "ارتباط کامل" دعاوی تأکید دارد. طبق این ماده، دعاوی باید ارتباط مستقیم و مؤثر میان هم داشته باشند، به‌طوری‌که تصمیم در یک دعوا بر دیگری تأثیرگذار باشد. این رویکرد به‌منظور جلوگیری از تفسیرهای متناقض و حفظ انسجام سیستم قضائی است. در مقابل، حقوق فرانسه به جای "ارتباط کامل"، از "ارتباط کافی" استفاده می‌کند. این معیار به قاضی اختیار می‌دهد تا بر اساس پیوند منطقی و عملی میان دعاوی، تصمیم به تجمیع آن‌ها بگیرد. در حقوق فرانسه، ارتباط میان دعاوی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و حتی در صورت عدم تأثیر مستقیم، به تسهیل اجرای عدالت کمک کند. لذا، تفاوت اصلی این دو رویکرد در میزان انعطاف‌پذیری است.

حقوق ایران با تأکید بر "ارتباط کامل"، معیارهای دقیق تری برای تجمیع دعاوی تعیین می‌کند، در حالی که حقوق فرانسه از "ارتباط کافی" برای ایجاد انعطاف در رسیدگی‌های قضائی بهره می‌برد.

### ۲-۳ الزام به "رسیدگی توأمان" در دعاوی مرتبط ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م

مسئله توأمان کردن رسیدگی به دعاوی مرتبط در ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م ایران مطرح شده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۹). این مقررات هدف مشترکی دارند که جلوگیری از صدور آرای متناقض و تسهیل فرایند دادرسی است. در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران آمده است: «اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعاوی طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی می‌نماید.» این ماده بر اصل "ارتباط کامل" تأکید دارد که شرطی اساسی برای تجمیع و رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط است. به عبارت دیگر، در نظام حقوقی ایران، وجود رابطه‌ای مؤثر و کامل میان دعاوی به گونه‌ای که تصمیم‌گیری در یکی از دعاوی بر دیگری تأثیر مستقیم داشته باشد، لازمه رسیدگی توأمان است. به موجب این رویکرد، شعبه‌ای که از دعاوی مرتبط مطلع می‌شود باید ارتباط کامل میان دعاوی را احراز کند (علیزاده، ۱۳۹۹: ۲۷۵). در صورتی که ارتباط کامل احراز نشود، شعبه مجاز به رسیدگی مجزا است. در مقابل، ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. در این نظام، ارجاع دعاوی مرتبط به یک شعبه تنها برای تسهیل رسیدگی است و تصمیم‌گیری درباره رسیدگی توأمان به دعاوی به صلاح‌دید قاضی واگذار می‌شود. قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن پیچیدگی پرونده‌ها و شرایط پرونده، تصمیم بگیرد که آیا رسیدگی همزمان به دعاوی ممکن و مناسب است یا خیر (Cayrol, 2020: 425). تفاوت میان این دو نظام حقوقی ناشی از فلسفه و ساختار آن‌هاست. در حقوق ایران، تأکید بر "ارتباط کامل" و الزام دادگاه به رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط، چارچوبی منظم‌تر و کمتر انعطاف‌پذیر ایجاد کرده است. این ویژگی موجب کاهش احتمال تفسیرهای متفاوت و تصمیم‌گیری‌های متعارض می‌شود. از سوی دیگر، حقوق فرانسه با پذیرش "ارتباط کافی" و واگذاری اختیار به قاضی، انعطاف بیشتری برای مواجهه با پیچیدگی قضائی فراهم کرده است. این انعطاف‌پذیری در حقوق فرانسه ممکن است موجب افزایش کارآمدی در پرونده‌های پیچیده‌تر شود، اما از سوی دیگر می‌تواند خطر تفسیرهای متفاوت را نیز افزایش دهد.

### ۲-۴ الزام به "یک دادخواست" در دعاوی مرتبط ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م

پذیرش دعاوی مرتبط در یک دادخواست، به عنوان راهکاری برای تسریع رسیدگی و کاهش هزینه‌ها، در نظام‌های دادرسی ایران و فرانسه مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد در هر دو کشور برای جلوگیری از پراکندگی دعاوی و صدور آرای متناقض اعمال می‌شود، اما در نحوه اجرا تفاوت‌هایی وجود دارد. در ایران، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌کند که دعاوی مرتبط تنها زمانی در یک دادخواست قابل طرح هستند که «ارتباط کامل» میان آن‌ها وجود داشته باشد (خالقیان، ۱۴۰۰: ۲۹۳). این شرط موجب انسجام در رسیدگی و کاهش تعارض آرا می‌شود. در غیر این صورت، دعاوی مرتبط باید در دادخواست‌های مجزا مطرح شوند (محسنی، ۱۳۷۶: ۸۳). این موضوع به ویژه در دعاوی طاری اهمیت دارد، جایی که دعاوی جدید پس از دعاوی نخستین مطرح می‌شوند. در مقابل، حقوق فرانسه انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اجازه می‌دهد حتی دعاوی با «پیوند منطقی و غیرمستقیم» نیز در یک دادخواست طرح شوند (Fricero, 2015: 45). مواد ۳۵ و ۳۶ این قانون همچنین اجازه می‌دهند که دعاوی مرتبط توسط یک خواهان علیه یک یا چند خوانده یا چند خواهان علیه چند خوانده مطرح شوند. این روش برای هماهنگی میان دادگاه‌ها و رسیدگی همزمان به

دعاوی در پرونده‌های پیچیده مفید است (Guinchard, 2020: 308). تفاوت اساسی این دو نظام در نحوه پذیرش دعاوی مرتبط است: در ایران، دعاوی باید دارای «ارتباط کامل و مستقیم» باشند، اما در فرانسه، وجود پیوند منطقی نیز کافی است. این انعطاف‌پذیری در حقوق فرانسه باعث تسهیل دادرسی در پرونده‌های پیچیده می‌شود و می‌تواند الگویی برای حقوق ایران باشد (فتحی، ۱۴۰۲: ۱۷).

#### ۴-۲ الزام به "شکایت‌پذیری از دعوای اصلی" در دعاوی مرتبط ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م

در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، شکایت‌پذیری یا شکایت‌ناپذیری از دعوای اصلی در دعاوی مرتبط از مسائل کلیدی است که بر فرآیند دادرسی تأثیر می‌گذارد. در ایران، بر اساس ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه می‌تواند دعاوی مرتبط را که در حوزه‌های قضائی مختلف مطرح شده‌اند، در یک شعبه و به‌طور هم‌زمان رسیدگی کند. فرض قانون‌گذار این است که همه دعاوی مرتبط نیازمند رسیدگی هم‌زمان هستند، لذا شکایت‌پذیری از دعوای اصلی به همراه دعاوی فرعی یا طاری قابل پذیرش است (شمس، ۱۳۹۲: ۴۸۰؛ خالقیان، ۱۴۰۰: ۲۹۷). در فرانسه، قاضی ابتدا باید از وجود ارتباط بین دعاوی اطمینان حاصل کند و سپس آن‌ها را در یک دادگاه تجمیع نماید. انعطاف‌پذیری بیشتر در این نظام حقوقی امکان رسیدگی به پرونده‌های پیچیده‌تر را فراهم می‌کند. بر اساس ماده ۵۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، اگر رأی صادره قابل تجزیه نباشد، اعتراض یا شکایت باید نسبت به تمامی اشخاص و دعاوی مرتبط مطرح گردد، در غیر این صورت پذیرفته نخواهد شد. این اصل ابتدا در رویه قضائی فرانسه و بر اساس ماده ۳۹ آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفت (Cadiet, 1990: 2147). اگر رأی شامل چندین مسئله حقوقی مرتبط باشد، شکایت از یک بخش بدون بررسی سایر بخش‌ها ناقص و غیرقابل پذیرش محسوب می‌شود. با این حال، شکایت‌ناپذیری از دعوای اصلی در دعاوی مرتبط در فرانسه استثنائاتی دارد، مانند خروج یکی از دعاوی از دادرسی یا عدم رعایت صلاحیت دادگاه که در این صورت، قاضی می‌تواند تصمیم به رسیدگی جداگانه به دعاوی بگیرد (Cadiet, 2016: 4). این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، الزامات قانونی برای رسیدگی هم‌زمان به دعاوی مرتبط در تمام مراحل دادرسی به صراحت بیان نشده است، در حالی که در حقوق فرانسه، قواعدی دقیق‌تر برای تجمیع دعاوی و عدم تجزیه آن‌ها وجود دارد. هدف مشترک هر دو نظام، جلوگیری از صدور آرای متناقض و تسهیل دادرسی است. اما در ایران، شکایت‌پذیری از دعوای اصلی به همراه دعاوی مرتبط تأکید شده، در حالی که در فرانسه، تحت شرایط خاصی ممکن است استثنائاتی برای شکایت‌ناپذیری از دعوای اصلی وجود داشته باشد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۲).

#### ۳-۳ چالش‌ها و مسائل عملی در ماده ۱۰۳ آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه

یکی از اصول اساسی در نظام‌های حقوقی، تجمیع دعاوی مرتبط در یک مرجع قضائی واحد است. در این راستا، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، بر ضرورت رسیدگی هم‌زمان به دعاوی مرتبط تأکید دارند. با این حال، اجرای عملی این مقررات در هر دو نظام حقوقی با چالش‌هایی همراه است که در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

##### ۱-۳ چالش عملی در یک شعبه از یک مرجع

چالش عملی در تشخیص ارتباط میان دعاوی در یک شعبه از یک مرجع چالش تفسیر «دادگاه» در ادغام دعاوی مرتبط است که مطالبی در این زمینه بیان خواهد شد.

**الف) چالش تفسیر «دادگاه» در ادغام دعاوی مرتبط در یک شعبه از یک مرجع:** یکی از چالش‌های اساسی در اجرای ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، تعیین مفهوم «دادگاه» و دامنه شمول آن است. بر اساس این ماده، اگر دعاوی مرتبط به طور هم‌زمان در یک دادگاه مطرح شوند، دادگاه موظف است به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی کند. با این حال، تفسیر این ماده از سوی محاکم می‌تواند متفاوت باشد. در رویه قضایی ایران، دادگاه غالباً به معنای «یک شعبه» از دادگاه تلقی می‌شود، نه کل حوزه قضایی، که این امر می‌تواند موجب عدم تجمیع برخی دعاوی مرتبط شود و از انسجام رسیدگی بکاهد. در حقوق فرانسه نیز، بر اساس ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان رسیدگی هم‌زمان به دعاوی مرتبط وجود دارد، اما این امر به درخواست طرفین یا تشخیص دادرس وابسته است. در حالی که در ایران، ادغام دعاوی مرتبط یک تکلیف محسوب می‌شود، در فرانسه چنین الزامی برای دادگاه وجود ندارد و در صورت عدم درخواست طرفین، ممکن است دعاوی به‌صورت جداگانه مورد رسیدگی قرار گیرند. این تفاوت رویکرد می‌تواند موجب اختلاف در وحدت رسیدگی به دعاوی مرتبط و در نهایت، صدور آرای متعارض شود. ذکر این نکته ضروریست که در حقوق فرانسه، دادگاه اختیار دارد که پرونده‌های مرتبط را ادغام کند، اما در صورتی که طرفین چنین درخواستی مطرح نکنند، دادگاه تکلیفی به انجام این کار ندارد. این در حالی است که در نظام قضایی ایران، رویه عملی بر الزامی بودن ادغام دعاوی مرتبط تأکید دارد. لحن ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز نشان می‌دهد که دادگاه حتی در صورت عدم درخواست طرفین، موظف به ادغام دعاوی مرتبط است (فتحی، ۱۴۰۳، ص ۹۴). نگارنده بر این باور است که برای حل چالش‌های مربوط به ادغام دعاوی مرتبط در حقوق ایران، می‌توان با الهام از حقوق فرانسه، اصلاحاتی در قوانین و رویه‌های قضایی اعمال کرد. اول: قانون‌گذار صراحتاً «دادگاه» را به کل حوزه قضایی (نه صرفاً یک شعبه) تسری دهد. ب: امکان تعیین قاضی مسئول هماهنگی پرونده‌های مرتبط در حوزه قضایی، مشابه نظام «قاضی تحقیق» در فرانسه، پیش‌بینی شود (ماده ۷۸۳ و ۹۴۲ ق. آ. م. ف.). البته در ایران، هرچند نص صریحی در مورد جداسازی دعاوی مرتبط وجود ندارد، اما در مواد ۱۳۳ و ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان تفکیک دعاوی ورود و جلب ثالث پیش‌بینی شده است (شمس، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۸۱). بنابراین، این استنباط قابل پذیرش است که دادگاه اختیار جداسازی دعاوی مرتبط را نیز دارد. اما باید یادآور شد که در حالت عادی پس از ارجاع پرونده به شعبه برابر ماده ۳۹۱ ق. آ. د. م، رئیس شعبه نخست (مقام ارجاع) نمی‌تواند از تصمیم خود بازگشت کند. ج: امکان اعتراض به تصمیم عدم ادغام دعاوی مرتبط برای حقوق فرانسه و ایران. زیرا ماهیت تصمیم دادگاه در ادغام دعاوی قابل اعتراض نیست (ماده ۵۳۷ ق. آ. د. م. ف.). د: امکان تفکیک دعاوی پس از ادغام نادرست. ه: ایجاد وحدت رویه در تشخیص ارتباط میان دعاوی؛

**ب) چالش عملی در تشخیص ارتباط میان دعاوی در یک شعبه از یک مرجع:** از چالش‌های اصلی در اجرای ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، تشخیص نادرست یا عدم تشخیص ارتباط میان دعاوی توسط دادگاه است. برای مثال، اگر یک دادگاه حکم به پرداخت وجه یک سفته را صادر کند و در همان زمان دعاوی مرتبط با استرداد لاشه سفته‌ها مطرح شده باشد اما قاضی این دعاوی را مرتبط تشخیص ندهد، ممکن است دو رأی متناقض صادر شود. در چنین مواردی، دادگاه باید بررسی کند که آیا اسباب موجه حکم شامل اعتبار امر قضاوت‌شده می‌شود یا خیر. در صورتی که اسباب موجه دارای اعتبار امر قضاوت‌شده باشد، دادگاه باید قرار رد دعوا صادر کند. اما اگر چنین اعتباری نداشته باشد، چالشی جدی ایجاد می‌شود، زیرا دادگاه با صدور رأی جدید، ممکن است با رأی پیشین خود در تضاد قرار گیرد. از سوی دیگر، چنانچه رأی جدید از طریق فرجام‌خواهی نقض شود، رأی اول نیز در صورت مخالفت با قانون نقض خواهد شد (ماده ۳۷۶ ق. آ. د. م)، اما در مورد اعاده دادرسی، قانون صراحتی در خصوص فسخ رأی نخست ندارد (ماده ۴۳۹ ق. آ. د. م) (فتحی، ۱۴۰۳، ص ۹۷). نگارنده بر این باور است که تدوین و انتشار دستورالعمل‌ها و معیارهای مشخص برای قضات در تشخیص ارتباط دعاوی می‌تواند به حل این

چالش کمک کند. این معیارها باید بر اساس اصول حقوقی و تجربیات عملی تنظیم شوند و بر اساس آن‌ها قاضی بتواند به راحتی ارتباط یا عدم ارتباط میان دعاوی را تشخیص دهد. همچنین، به منظور جلوگیری از بروز مشکلاتی همچون صدور آرای متناقض، امکان اعتراض به تصمیمات دادگاه مبنی بر عدم ادغام دعاوی مشابه و مرتبط می‌تواند راهکاری عملی باشد. این اعتراض باید در قالب یک فرآیند حقوقی مشخص، امکان‌پذیر باشد تا طرفین بتوانند نسبت به تشخیص نادرست ارتباط میان دعاوی اعتراض کنند. مضاف بر این، وکلای دادگستری می‌توانند در مواردی که ارتباط میان دعاوی واضح نیست، نقش مهمی در ارائه دلایل و مستندات جهت تشخیص ارتباط دعاوی ایفا کنند. بنابراین، فراهم آوردن شرایطی برای مشاوره و همکاری نزدیک با وکلا در این زمینه می‌تواند به کاهش مشکلات حقوقی کمک کند. این راهکارها می‌تواند به کاهش اشتباهات قضائی و بهبود کارآیی سیستم قضائی در اجرای ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران کمک کند.

## ۲-۳ چالش عملی دعوای مرتبط در شعبه‌های گوناگون یک مرجع قضائی

در صورتی که دعوای مرتبط در چند شعبه از یک مرجع قضائی (مانند دادگاه‌های عمومی، حقوقی، خانواده، تجدیدنظر و...) مطرح باشند، در این صورت، «در یکی از شعب به تشخیص رئیس شعبه اول، یک‌جا رسیدگی خواهد شد» (ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی). این امر در شهرهای بزرگ که ممکن است چند مجتمع قضائی وجود داشته باشد، توسط سرپرست مجتمع یا معاونت ارجاع انجام می‌شود. چالش عملی دعوای مرتبط در شعبه‌های گوناگون یک مرجع قضائی شکل‌های متفاوتی دارد.

**الف) اگر پرونده در شعبه دیگر از همان مرجع قضائی باشد:** در این صورت بسته به اینکه وقت مقرر تعیین شده باشد یا هنوز وقت مقرر مشخص نشده باشد، باید متفاوت عمل کرد. اگر وقت مقرر تعیین نشده باشد، دادرس دستور تعیین وقت احتیاطی (نظارت) برای پرونده مطرح در شعبه خود صادر و پرونده شعبه دیگر را مطالبه و مطالعه می‌کند. در صورت احراز ارتباط میان پرونده‌ها، شیوه‌ای به رئیس مرجع قضائی (مقام ارجاع) با ذکر تاریخ تقدیم دادخواست‌ها پیشنهاد می‌شود که به هر دو پرونده همزمان رسیدگی شود. اما اگر وقت مقرر تعیین شده باشد، بهتر است برای جلوگیری از سوء استفاده اصحاب دعا و حفظ اصل سرعت در دادرسی، جلسه مقرر تشکیل شود. بر اساس ظاهر قانون آیین دادرسی مدنی، اطلاع از پرونده‌های مرتبط نباید موجب تأخیر یا تغییر جلسه رسیدگی شود. ولی در صورتی که وضعیت ارتباط میان پرونده‌ها مشخص نباشد، نباید حکمی صادر شود. در واقع، باید اصل سرعت را با الزامات گوناگونی مانند اصل تناسب و اصول استدلال و شایسته‌سازی جریان دادرسی تطبیق دهیم (Didier, 2006, p: 458).

**ب) چنانچه پرونده در دو شعبه از یک مرجع قضائی باشد:** چنانچه پرونده‌ها در دو شعبه از یک مرجع باشند، دادرسان مکلف هستند که در صورت احراز ارتباط میان دعاوی، آنها را ادغام کنند. به همین دلیل، برخی آرای قضائی که حاکی از این هستند که دادگاه می‌تواند یا قرار توقف صادر کند یا رسیدگی را ادغام نماید، تصمیم قابل دفاعی نیستند. برای نمونه و مثال، شعبه ۸ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۲۳۹۹۷۳۹۳۶۸۳۱۶۴۲ تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱، با وجود آنکه قید رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط در شعب ۱۱ و ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی را موجب نقض دادنامه دانسته است، شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر اعلام کرده که دادگاه مخیر است که «دادرسی را متوقف کند تا به تشخیص خود یا پس از خاتمه رسیدگی نسبت به دعوی خیانت و... در پرونده پیوست پرونده حاضر در شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان و صدور رأی نهایی در این پرونده اقدام کند و پس از آن نسبت به صدور رأی مقتضی در خصوص دعوی تجدیدنظر مطرح شده در پرونده حاضر اقدام نماید یا اینکه در صورت ضرورت رسیدگی توأمان به هر دو پرونده مربوط به دعاوی خیانت در امانت و خیانت به

اموال، پرونده را به شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان جهت رسیدگی توأمان با پرونده دیگر ارجاع دهد. « این تصمیم شعبه ۸ دیوان عالی کشور که اختیار در توقیف دعوی یا رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط را داده است، آشکارا نقض ماده ۱۰۳ آیین دادرسی مدنی می‌باشد، چراکه در این آیین، تصمیم به نقض حکم مورد فرجام‌خواهی به دلیل عدم رسیدگی همزمان به دعاوی مرتبط دیگر مبنی بر نفی زوجیت، که توسط ورثه دیگر مطرح شده، از حرکت‌های پیشرو و قابل حمایت در دادرسی مدنی ایران به شمار می‌رود. هنگامی که پرونده‌های مرتبط در دو شعبه در جریان رسیدگی هستند، در عمل این سوال مطرح می‌شود که چرا دعاوی مرتبط هستند و اینکه تشخیص احراز ارتباط آنها با قاضی رسیدگی‌کننده است یا مقام ارجاع، همچنین برخی شعب ارجاع نیز می‌توانند نظارت کنند یا اینکه شعبه ارجاع شونده می‌تواند به جهت عدم ارتباط میان پرونده‌ها، پرونده را به شعبه اولیه برگشت دهد. در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. به نظر برخی دادرسان، تشخیص ارتباط به عهده قاضی رسیدگی‌کننده است و رئیس مرجع قضائی تنها صلاحیت ارجاع را دارد. در همین راستا، در مصاحبه‌هایی که با معاون ارجاع برخی مجتمع‌های قضائی تهران داشتیم، آنان بیان می‌داشتند که به منظور جلوگیری از فرار دادرسان از پرونده‌های سنگین یا حاشیه‌دار و پرونده‌های مسن، خود به احراز ارتباط میان دعاوی می‌پردازند. باید افزود، گرفتن یک پرونده از یک دادرس و ارجاع آن به دادرس دیگری، به جهت افزایش کمیّت و آمارگرایی که در قوه قضائیه فشار بر دادرسان وارد می‌کند، و این سیاست موجب کنار رفتن مهم‌ترین ارزش دادرسی که کشف حقیقت است، می‌شود. این امر اغلب اعتراض یکی از دادرس‌ها (دادرس شعبه ارجاع شونده) را به دنبال دارد و نیز از آنجا که تهیه گزارش از سوی یکی از دادرسان به مقام ارجاع می‌تواند موجب تحمیل نظر یک دادرس بر دیگری برای تشخیص ارتباط و در نتیجه ارجاع پرونده به شعبه اولیه شود، امکانی برای رد نظر دادرس دیگر در تشخیص ارتباط وجود دارد. در این صورت، چنانچه اختلافی میان دادرسان به وجود آید، اختلاف پیش آمده از موارد عدم صلاحیت نیست. از سوی دیگر، ممکن است پرونده‌ها به راستی و درستی مرتبط باشند و لذا برای پیشگیری از صدور آرای متعارض و اداره شایسته دادرسی و قضاوت شایسته، باید به این نتیجه رسید که بهترین راهکار آن است که رئیس شعبه نخست یا مقام ارجاع به حل اختلاف مربوطه پرداخته و بر اساس تشخیص خود عمل کند. به باور نگارنده، حتی در مواردی که در خصوص وجود ارتباط میان پرونده‌ها تردید وجود دارد و ظنی بر وجود نقص در دادرسی توسط دو طرف برای دور زدن ماده ۳۹۱ ق. آ. د. م وجود ندارد، صلاح و احتیاط آن است که پرونده‌ها به یک شعبه ادغام شوند زیرا اگر پرونده‌ها مرتبط بوده و تفکیک شده باشند، ممکن است قضاوت شایسته تحت تأثیر قرار گیرد (فتحی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۰). در فرانسه، ماده ۱۳۷ آیین دادرسی مدنی فرانسه درباره دعاوی مرتبط که در دو شعبه از یک مرجع قضائی هستند، حاکم می‌باشد. طبق این ماده، «اگر در امر مرتبط میان شعب متعدد یک مرجع قضائی اشکال به وجود آید، این مسائل بدون تشریفات توسط رئیس آن مرجع قضائی حل و فصل می‌شود...» زیرا رئیس حوزه قضائی باید از اختیارات مدیریتی کافی برخوردار باشد تا بتواند چنین چالش‌های آیینی که به امور مدیریتی نیز ارتباط پیدا می‌کنند، حل و فصل کند (Cadiet, 2016: 20). ادغام پرونده‌ها می‌تواند در دادگاه تجدیدنظر صورت گیرد. در صورت احراز ارتباط، در رسیدگی تجدیدنظر دعاوی باید با یکدیگر مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گیرند. در موردی که دعوائی در صلاحیت دادگاه تجاری بود و یک دعوی دیگر در صلاحیت دادگاه مدنی قرار داشت و از هر دو تجدیدنظرخواهی صورت گرفته بود، دادگاه تجدیدنظر به این دلیل که این دعاوها وحدت اصحاب دعوا ندارند و نیز نمی‌تواند در مورد هر دو دعوا در یک رأی تصمیم بگیرد، زیرا یکی تجاری و دیگری مدنی است، ادغام این دعاوی را نپذیرفت. این رأی به درستی مورد انتقاد دکتربین در فرانسه قرار گرفت، زیرا وحدت اصحاب دعوا شرط احراز ارتباط نمی‌باشد و ممکن است در رسیدگی تحولاتی ایجاد شود، مانند طرح دعوائی ورود شخص ثالث در دادگاه تجدیدنظر که در چنین حالتی اقتضاء دارد پرونده‌ها ادغام شوند (Cadiet, 2016: 32). همچنین در دیوان عالی

کشور، امکان تجمیع دعاوی به جهت ارتباط وجود دارد. در صورت ادغام دعاوی، هر یک از آنها تحت قواعد دادرسی اختصاصی خود رسیدگی می‌شود. رئیس شعبه نخست، چه در ایران و چه در فرانسه، راساً نمی‌تواند به جهت ارتباط میان پرونده‌ها، پرونده را از یک شعبه گرفته و به شعبه دیگر ارجاع دهد. در حقوق فرانسه، در خصوص ماهیت تصمیمی که رئیس شعبه یا رئیس شعبه نخست اتخاذ می‌کند، طبق ماده ۱۰۷ و ۳۶۸ از ترتیبات اداره قضائی است. بنابراین، این تصمیم قابل اعتراض نمی‌باشد (ماده ۲۳۷ آ. د. م. ف.). در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، ماهیت تصمیم رئیس شعبه نخست در خصوص الحاق پرونده‌ها به یکدیگر مشخص نشده است، اما روشن است که ماهیت آن دستور و یک عمل اداری است (هرمزی، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

### ۳-۳ چالش عملی دعوای مرتبط در دو یا چند مرجع هم عرض

**الف) چالش دعوای مرتبط در دو یا چند مرجع هم عرض و هم‌درجه:** مانند دو دادگاه خانواده، دو دادگاه حقوقی یا دو دادگاه صلح از یک استان یا از دو استان، اعم از نخستین یا تجدیدنظر، مطرح باشند. در این شرایط، سوال این است که آیا باید پرونده‌های مرتبط در دادگاه‌های مختلف تجمیع شوند یا نه، و آیا استفاده از ماده ۱۹ ق. آ. د. م. (وحدت ملاک) در این مورد می‌تواند برای هماهنگی رسیدگی‌ها مؤثر باشد یا نه. در پاسخ باید بیان نمود در این صورت، «هرگاه دعوی در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی خودداری کرده و پرونده را به دادگاهی که دعوی در آن مطرح است می‌فرستد...» (ماده ۱۸۹ ق. آ. د. م.). ابتدا باید توجه داشت که هر دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعاوی را دارد که مطابق با قوانین و مقررات مربوطه، صلاحیت محلی آن احراز شود. بنابراین، در صورتی که دعوی از نظر محل اقامت طرفین در حوزه‌های مختلف قرار داشته باشند، در صورتی که ارتباط کامل میان دعاوی وجود داشته باشد، دادگاه پرونده دعوی مطروح در نزد خود را به دادگاه مزبور ارسال می‌نماید (علیزاده، ۱۳۹۹: ۲۷۵). ذکر این نکته ضروریست با توجه به آنکه بدون تصمیم پرونده را از جریان رسیدگی در دادگاه نمی‌توان خارج و به دادگاهی دیگر ارسال نمود تصمیم باید در قالب قرار امتناع از رسیدگی صادر شود.

**ب) مرجع‌هایی که دعوای مرتبط در آن‌ها مطرح شده، یک‌درجه نباشند:** مانند یک دعوا در دادگاه صلح و دعاوی دیگر در دادگاه بدوی، یا یک دعوا در دادگاه بدوی و دعاوی دیگر در دادگاه تجدیدنظر. در این صورت نیز به نظر می‌رسد که مبانی رسیدگی همزمان میان دعوای مرتبط که عبارتند از صرفه‌جویی در هزینه اقتصادی و اجتماعی دعاوی، اداره شایسته دادرسی، قضاوت شایسته و جلوگیری از صدور آرای متعارض، اقتضاء دارد که رسیدگی همزمان صورت گیرد. زیرا میان دعوای مرتبط آنقدر وابستگی مستحکم و نیرومند است که اگر به هم رسیدگی نشوند، اصل سرعت و قضاوت شایسته نقض می‌شود (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۱؛ محسنی، ۱۳۹۱: ۸۸؛ فتحی، ۱۴۰۲: ۱۶۹). برای نمونه، اگر پرونده خلع ید در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد و در دادگاه نخستین دعوی ابطال سند رسمی مطرح شده باشد، چنانچه به هر دو پرونده همزمان رسیدگی نشود، چند حالت متصور است: حالت اول: ادامه رسیدگی توسط هر دو مرجع: هر دو مرجع به رسیدگی خود ادامه داده و رای صادر می‌کنند که ممکن است دادگاه تجدیدنظر حکم به خلع ید دهد و دادگاه بدوی هم حکم به ابطال سند دهد. در چنین صورتی، اگر حکم مبنی بر ابطال سند رسمی در دادگاه تجدیدنظر در همان شعبه یا شعبه دیگری استوار شود، با حکم متعارض روبرو خواهیم بود که به‌ظاهر بر اساس ماده ۴۲۶ و بند ۴ ماده ۳۷۱ ق. آ. د. م. مشمول اعاده دادرسی و فرجام‌خواهی نمی‌شود. حالت دوم: توقف رسیدگی توسط دادگاه نخستین (وحدت ملاک ماده ۱۹ ق. آ. د. م.): اگر دادگاه نخستین بخواهد بر مبنای وحدت ملاک ماده ۱۹ ق. آ. د. م. رسیدگی را متوقف کند تا نتیجه دادگاه تجدیدنظر مشخص شود (شمس، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۳۲)، ممکن است عدالت به‌خوبی اجرا نشود، زیرا این امر مستلزم پذیرش امر قضاوت شده و اسباب موجهه حکم به نحوی مطلق است. حالت سوم: احتمال رد دعوی ابطال قرارداد رسمی: ممکن است قرارداد رسمی بنا به

جهات قانونی مانند جهات نامشروع باطل باشد. در این صورت، اگر حکم به خلع ید داده شود و سپس بر مبنای آن دعوای ابطال قرارداد و سند رسمی رد شود، بی‌گمان دادستان نیکو و احقاق حق عمل نکرده است. حالت چهارم: توقف رسیدگی توسط دادگاه تجدیدنظر و ادغام دعاوی: اگرهم دادگاه تجدیدنظر رسیدگی خود را متوقف کند تا نتیجه رای دادگاه نخستین مشخص شود و سپس در دادگاه تجدیدنظر به جهت ارتباط میان دعوای (ماده ۱۳۳ ق. آ. د. م.) ادغام شود، نخست آن که مستند قانونی وجود ندارد و ممکن است که همه دادرسان نپذیرند که از ماده ۱۹ ق. آ. د. م. وحدت ملاک بگیرند. دوم آن که اگر دادگاه تجدیدنظر بخواهد با وحدت ملاک ماده ۱۹ ق. آ. د. م. قرار انقطاع و توقف رسیدگی صادر کند، بی‌گمان با نمونه‌های مشابهی مانند دعوای ورود ثالث و جلب ثالث و دعوای اضافی (ماده ۳۶۲ و ۲۱۲ ق. آ. د. م.) که در آغاز و ابتداء در دادگاه تجدیدنظر قابل طرح است، همخوانی ندارد. زیرا دعوای یادشده از آن رو که به دعوای اصلی مرتبط هستند و وابستگی آیینی دارند، قابلیت طرح در دادگاه تجدیدنظر را در ابتدا یافته‌اند. از همین رو، به نظر می‌رسد در چنین مواردی نیز همچون دادرسی مدنی فرانسه، پرونده‌های مرتبط درحال رسیدگی در دادگاه نخستین باید در دادگاه تجدیدنظر تجمیع شوند. در حقیقت، هنگامی که دعوایی میان الف و ب در مرحله تجدیدنظر در خصوص مالکیت یک واحد آپارتمان در حال ساخت در حال رسیدگی باشد و شخص ج دعوای اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی با عنوان ورود ثالث مطرح کند، این دعوا در دادگاه تجدیدنظر رسیدگی می‌شود. اما اگر ج دعوای خود را بر الف و ب در خواسته‌ها در دادگاه نخستین مطرح کند و عنوان آن را دعوای ورود ثالث نگیرد، باید به طور معکوس در دادگاه نخستین رسیدگی شود. این نظری است که با خرد همساز نیست و آفات و گزندها و آسیب‌های آن نیز زیاد است و باید از پذیرش آن پرهیز کرد (فتحی، ۱۴۰۳: ۱۰۲).

#### ۴-۳ چالش عملی ادغام یا تجمیع در رسیدگی وخواهی

پرسشی که در مورد چالش عملی ادغام یا تجمیع در رسیدگی وخواهی می‌توان مطرح کرد این است که آیا در رسیدگی به وخواهی امکان تجمیع دعوای مرتبط وجود دارد یا خیر؟ در حقیقت، از یک طرف برابر ماده ۳۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی، دادگاه صادرکننده رأی باید رسیدگی را انجام دهد و از طرف دیگر برابر بند ۲ ماده ۸۴، ماده ۸۹ و ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م، رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط باید صورت گیرد. چنانچه باورمند به امکان رسیدگی همزمان در وخواهی باشیم، شیوه ادغام یا تجمیع چگونه است؟ آیا ابتدا دادگاه صادرکننده باید رأی را نقض کند و سپس پرونده را به دادگاه قبلی ارجاع دهد یا اینکه بدون نقض رأی، پرونده را به دادگاه قبلی ارجاع فرستاده و دادگاه اخیر در صورت لزوم رسیدگی و رأی را فسخ یا تأیید می‌کند؟ این پرسش در کمیسیون قضایی دادگستری کل استان تهران مطرح شد و اکثریت قضات حاضر در جلسه بر این باور بوده‌اند که «اگر دو دادگاه صادرکننده رأی غیابی صلاحیت ذاتی یکسانی داشته باشند و نسبت به احکام غیابی صادره از آنها اعتراض شود، در صورتی که این دو دعوا دارای ارتباط کامل باشند، به استناد ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م مصوب ۱۳۷۹، قاضی می‌تواند به‌طور همزمان رسیدگی کند، زیرا ماده یادشده مختص رسیدگی بدوی نیست و از طرفی وخواهی نیز ادامه رسیدگی بدوی است، هرچند ماده ۳۰۵ این قانون بر حسب ظاهر چنین تجمیعی را منع کرده است، زیرا این ماده مقرر می‌دارد که رسیدگی به وخواهی در همان شعبه صادرکننده رأی غیابی باید انجام شود.» اما با توجه به اینکه رسیدگی جداگانه به دعوای مرتبط در مرحله وخواهی باعث افزایش اعمال قضایی متعارض می‌شود، از طرفی بند ۴ ماده ۴۲۶ و بند ۴ ماده ۳۷۱ ق. آ. د. م و ماده ۳۷۶ آیین‌نامه قانون، تمامی آرای متعارض را دربر نمی‌گیرد، بنابراین بهترین راهکار این است که گفته شود ماده ۳۰۵ ق. آ. د. م در خصوص آرای غیابی دعوای غیرمرتبط است و در خصوص دعوای مرتبط، ماده ۱۰۳ این قانون در هر مرحله از رسیدگی حاکم است. درخصوص شیوه تجمیع پرونده‌ها در رسیدگی غیابی مطابق ماده ۱۰۳ قانون مذکور، به

دستور رئیس حوزه قضائی تجميع می‌شود و رئیس حوزه قضائی طبق رویه قضائی باید پرونده را به شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد، برگرداند. همچنین ارتباط، این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم به‌طور همزمان دو دعوا را در یک شعبه با لحاظ سبق ارجاع و رعایت قواعد ارتباطی، بررسی کرده و رأی دادگاه دیگری را نقض یا تأیید کنیم و به هر دو دعوا در یک دادگاه رسیدگی کنیم. همچنین باید توجه داشته باشیم که تقدم و تأخر مواد قانونی باعث حکومت و ورود هریک بر دیگری نمی‌شود و مواد قانونی را باید به‌طور توأمان و با جمع آن‌ها تفسیر نمود. این که قانون‌گذار در ماده ۳۰۵ قانون یادشده بیان کرده است که در دادگاه صادرکننده رأی باید رسیدگی انجام شود، باید این را نیز مورد توجه داشت که در ماده ۱۰۳ آن قانون نیز بیان شده است که اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند، در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی می‌کند و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشند، در یکی از شعب یا تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهند شد و مشخص نشده که در کدام مرحله این حکم جاری است. لذا در فرض سؤال، امکان اعمال ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م وجود دارد و نیازی به نقض رأی جهت ارسال پرونده به شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد و قرار است رسیدگی توأمان انجام دهد، نیست. اکثریت حاضر در جلسه با تکیه بر منطوق ماده ۳۰۵ ق. آ. د. م، امکان رسیدگی همزمان در مرحله واخواهی را در صورتی که پرونده‌ها در یک شعبه نباشند، مخالفت کرده‌اند و در صورت لزوم، قائل به صدور قرار انقطاع (ماده ۱۹ ق. آ. د. م) شده‌اند (مظفری، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۲).

### ۵-۳ چالش عملی قرار امتناع از رسیدگی یا عدم صلاحیت

چنانچه دادرس ارتباط میان پرونده‌ها را احراز کند، تصمیم‌گیری در این خصوص چالش‌برانگیز است و بسته به این که پرونده در همان مرجع باشد (الف) یا مرجع دیگری (ب) ممکن است پاسخ‌های متفاوتی وجود داشته باشد:

**الف) در همان مرجع:** در این صورت چند حالت وجود دارد. حالت اول: در فرضی که پرونده‌ها در یک شعبه قرار دارند: دادرس معمولاً با تنظیم صورت جلسه و گاهی با ذکر مختصر پرونده‌ها، آنها را ادغام کرده و دستور تعیین وقت همزمان را صادر می‌کند. حالت دوم: اگر پرونده‌ها در دو شعبه از یک دادگاه باشند، صدور قرار عدم صلاحیت منتفی است. در این فرض، به دلیل نبود صراحت قانونی، اختلاف نظرهایی در خصوص لزوم صدور قرار خودداری از رسیدگی وجود دارد. برخی بر این باورند که دادگاه دیگر باید با استناد به ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و به‌علت قرار داشتن پرونده‌ها در دو دادگاه هم‌عرض، قرار عدم صلاحیت صادر کند (شمس، ۱۳۹۷: ۸۳۳). برخی دادرسان با صدور یک دستور و بدون ذکر قرار خودداری از رسیدگی، پرونده‌ها را برای ادغام به نظر مقام ارجاع می‌فرستند. به‌عنوان مثال، شعبه دهم دیوان عالی کشور اعلام کرده که رسیدگی همزمان پرونده‌های مرتبط در دیوان عالی کشور نیز ممکن است و پرونده‌ها پس از ارجاع به شعبه نهم دیوان، در آنجا ادغام می‌شوند (فتحی، ۱۴۰۳ش، ص ۱۰۷).

**ب) در مرجع دیگری:** در فرضی که دعاوی مرتبط در دست‌کم دو مرجع قضائی هم‌عرض است، مانند دو دادگاه عمومی حقوقی یا دو دادگاه خانواده در دو حوزه قضائی یا دو دادگاه تجدیدنظر در دو استان، برخی صدور قرار امتناع از رسیدگی را با استناد به ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی لازم دانسته‌اند (شمس، ۱۳۹۷: ۸۳۳). از طرفی، برخی معتقدند که درچنین شرایطی امکان صدور قرارعدم صلاحیت نیز وجود دارد (مهاجری، ۱۳۸۷: ۳۸۶). برخی دادرسان با نقد این دو دیدگاه، صدور قرار امتناع از رسیدگی را ترجیح داده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸). آنها بر این باورند که اگر دادگاه مرجوع‌الیه ارتباط میان پرونده‌ها را احراز نکند، باید مسئله اختلاف در صلاحیت را حل کرده و قرار عدم صلاحیت صادر کند. این نوع تصمیمات ممکن است به شکلی متفاوت از نظریه‌های معمول اختلاف صلاحیت باشد، زیرا در این حالت، ارتباط میان پرونده‌ها موجب تغییر در

صلاحیت دادگاه‌ها می‌شود و این امر می‌تواند گسترش دامنه صلاحیت را به همراه داشته باشد. رویه قضائی نیز به تدریج راه خود را یافته و مقررات اختلاف در صلاحیت را حاکم دانسته است. برای مثال، دادخواست جلب ثالثی به شعبه اول دادگاه حقوقی مرند تقدیم شده بود و این دادگاه ارتباط میان پرونده‌ها را احراز نکرده و قرار عدم صلاحیت به دادگاه حقوقی شهر تهران صادر کرده است. شعبه ۹۱ دادگاه حقوقی شهر تهران با احراز ارتباط میان دعوی، قرار عدم صلاحیت را به شایستگی دادگاه حقوقی مرند صادر کرده و طبق تبصره ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی، برای حل اختلاف، پرونده را به شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور ارجاع داده است. این شعبه با پذیرش اینکه در صورت اختلاف در تشخیص ارتباط، مقررات اختلاف در صلاحیت حاکم می‌باشد، در نهایت بی‌صلاحیت بودن دادگاه عمومی حقوقی مرند را اعلام کرده است. همچنین، شعبه ۲ دادگاه حقوقی شهرستان تالش در دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۳۹۰۰۰۶۱۵۲۴۴ مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۳ به دلیل وجود پرونده مرتبط در شعبه چهارم دادگاه حقوقی شهرستان رشت، قرار عدم صلاحیت صادر کرده و پرونده را برای حل اختلاف در صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان گیلان ارسال کرده است. در فرانسه نیز، علی‌رغم اینکه قانون‌گذار در مواد ۱۳۱ و ۱۳۳ تعبیر از رسیدگی خودداری را به‌کار برده است، در نهایت مقررات اختلاف در صلاحیت را حاکم دانسته است (فتحی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۹).

### نتیجه‌گیری

در حقوق ایران، دعوی مرتبط به دعاوایی اطلاق می‌شود که میان آن‌ها ارتباط معناداری وجود داشته باشد و تصمیم‌گیری در یک دعوا بر دیگری تأثیر بگذارد. رسیدگی هم‌زمان به این دعوی برای جلوگیری از تضاد آرای قضائی ضروری است. در حقوق فرانسه، دعوی مرتبط بر اساس سه معیار: ارتباط موضوعی، سببی و شخصی تعریف می‌شود. هر دو نظام بر لزوم رسیدگی یکپارچه تأکید دارند، اما حقوق فرانسه معیارهای دقیق‌تری برای تشخیص ارتباط دعوی دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاح حقوق ایران باشد. در ارتباط با چارچوب مفهومی ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م در حقوق ایران و فرانسه سه مفاد قابل رویت است. الف) رسیدگی به دعوی مرتبط در یک دادگاه: در حقوق ایران، طبق ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م، چنانچه دعوی مرتبط در یک دادگاه مطرح شوند، دادگاه موظف به رسیدگی هم‌زمان به آن‌ها است تا از صدور آرای متناقض جلوگیری شود. در حقوق فرانسه نیز طبق ماده ۱۰۱، دعوی مرتبط باید در یک فرآیند واحد رسیدگی شوند تا از تضاد آرا جلوگیری شود. هر دو نظام بر لزوم رسیدگی یکپارچه تأکید دارند. ب) رسیدگی در صورت طرح دعوی مرتبط در چند شعبه مختلف: در حقوق ایران، طبق ماده ۱۰۳، اگر دعوی مرتبط در چند شعبه مطرح شوند، رئیس شعبه اول باید یکی از شعب را برای رسیدگی تعیین کند. در فرانسه نیز مقام قضائی باید تصمیم بگیرد که تمامی دعوی در یک فرآیند قضائی واحد رسیدگی شوند، اما در فرانسه این تصمیم به صلاح‌دید قاضی است. ج) وظیفه وکلا و اصحاب دعوا در دعوی مرتبط: در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، وکلا و اصحاب دعوا موظف‌اند دادگاه را از وجود دعوی مرتبط مطلع کنند تا امکان تجمع آن‌ها در یک فرآیند واحد فراهم شود. این اقدام به تسهیل دادرسی و جلوگیری از پراکندگی پرونده‌ها کمک می‌کند. هدف از تجمع دعوی مرتبط در حقوق ایران و فرانسه جلوگیری از صدور آراء متعارض، تسریع در رسیدگی و کاهش هزینه‌ها، و فیصله دادن به تمام اختلافات است. در هر دو سیستم، تجمع دعوی مرتبط به‌منظور جلوگیری از تضاد در آرای قضائی و تسهیل در رسیدگی انجام می‌شود. حقوق ایران بر "ارتباط کامل" دعوی تأکید دارد و دادگاه‌ها موظف به رسیدگی هم‌زمان هستند، در حالی که در فرانسه، قاضی انعطاف بیشتری در تصمیم‌گیری دارد و می‌تواند دعوی با "ارتباط کافی" را تجمع کند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که فرانسه در مدیریت دعوی پیچیده انعطاف‌پذیری بیشتری دارد، در حالی که ایران بیشتر بر الزام‌های قانونی تأکید می‌کند. الزامات دعوی

مرتبط ناشی از ماده ۱۰۳ ق. آ. د. م در ایران و فرانسه به مقایسه چندین جنبه از هر دو سیستم پرداخته است. در هر دو نظام، تعدد دعاوی و ارتباط کامل یا کافی بین آن‌ها از الزامات اصلی برای تجمیع و رسیدگی توأمان است. در ایران، تنها دعاوی با ارتباط کامل و مستقیم می‌توانند در یک دادخواست قرار گیرند، در حالی که در فرانسه حتی پیوند منطقی و غیر مستقیم نیز کافی است. در مورد رسیدگی همزمان، در ایران تأکید بر "ارتباط کامل" و الزام دادگاه به رسیدگی همزمان است، اما در فرانسه این فرآیند انعطاف بیشتری دارد و قاضی می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا تجمیع دعاوی مفید است یا خیر. در حقوق ایران، از نظر شکایت پذیری، در دعاوی مرتبط، شکایت از دعوای اصلی به همراه دعاوی فرعی یا طاری پذیرفته می‌شود، در حالی که در فرانسه، برای تجمیع دعاوی، قاضی ابتدا باید از وجود ارتباط مطمئن شود. این تفاوت‌ها به دلیل فلسفه‌ها و ساختارهای قضائی متفاوت در این دو کشور است. در ارتباط با چالش‌ها و مسائل عملی در ماده ۱۰۳ آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه باید بیان نمود که چالش در چند حالت متصور است. در یک شعبه از یک مرجع، در شعبه‌های گوناگون یک مرجع قضائتی یا در دو یا چند مرجع هم عرض باشد. بنابراین، وجود مقررات روشن برای رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط یکی از اصول اساسی دادرسی مدنی و دسترسی به عدالت است. این امر در سطح جهانی پذیرفته شده و در دادرسی مدنی ایران نیز با توجه به لزوم رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط، اهمیت دارد. در دادرسی مدنی فرانسه، دادگاه می‌تواند پرونده‌ها را ادغام کند، اما الزام قانونی برای این کار ندارد. در ایران، بر خلاف فرانسه، در صورت احراز ارتباط پرونده‌ها، دادگاه موظف به ادغام آنها است. در صورتی که دادرس تشخیص دهد ارتباط میان پرونده‌ها اشتباه بوده، این تصمیم قابل تجدیدنظر است. اگر پرونده‌ها در دو شعبه از یک مرجع قضائی باشند، دادرسان باید در صورت احراز ارتباط میان دعاوی، آنها را ادغام کنند. اختلاف‌نظرهایی در مورد تشخیص ارتباط وجود دارد، به طوری که برخی معتقدند مقام ارجاع باید تصمیم بگیرد. رسیدگی همزمان شامل تمامی مراحل دادرسی، از جمله واخواهی و تجدیدنظر، می‌شود. همچنین در صورتی که دعاوی در دو مرجع قضائی با صلاحیت محلی مختلف باشند، دادگاه باید به صلاحیت خود رسیدگی کند و در صورت اختلاف، قرار عدم صلاحیت صادر می‌شود.

## منابع و مراجع

### الف) منابع حقوق ایران

- ۱) امامی. محمد. ۱۳۹۲. دعاوی اضافی. مجله مطالعات حقوقی شیراز. دوره ۵. شماره ۳.
- ۲) حسن زاده. مهدی. ۱۳۹۷. اثر ارتباط دعاوی مدنی بر سرایت شکایت پذیری آرا در ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی. فصلنامه پژوهش حقوقی. دوره ۷. شماره ۲۵.
- ۳) حسن زاده. مهدی. ۱۳۹۴. اثر ارتباط دعاوی در دادرسی مدنی، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۱.
- ۴) خالقیان. جواد. ۱۴۰۰. آسیب شناسی دعاوی مرتبط و آثار آن در حقوق دو دولت ایران و مصر. مجله پژوهش‌های بین الملل. دوره ۱۱. شماره ۲.
- ۵) شمس. عبدالله. ۱۳۸۷. آیین دادرسی مدنی. جلد سوم. تهران: دراک.
- ۶) شمس. عبدالله. ۱۳۸۸. آیین دادرسی مدنی. جلد اول. تهران: دراک.
- ۷) فتحی. بدیع. ۱۴۰۲. ایراد امر مرتبط در آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه. مجله پژوهش حقوق خصوصی. دوره ۱۲. شماره ۴۵.
- ۸) متین دفتری. احمد. ۱۳۷۸. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. جلد دوم. تهران: مجد.
- ۹) محسنی. حسن. ۱۳۹۱. دعاوی مرتبط و ناکارآمدی مقررات مرتبط. مجله دادگستری. شماره ۷۷.
- ۱۰) محسنی. حسن. ۱۳۹۱. قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۱) مظفری. احسان. ۱۳۹۸. مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران در امور مدنی، تهران: انتشارات جنگل.
- ۱۲) مقصودپور. رسول. ۱۳۹۱. دعاوی طاری و شرایط اقامه آن. تهران: انتشارا مجد.
- ۱۳) مهاجری. علی. ۱۳۸۷. مبسوط در آیین دادرسی مدنی. جلد اول. تهران: فکرسازان.
- ۱۴) هرمزی. خیرالله. ۱۳۹۷. جمع و تفکیک بین دعاوی و مقایسه آن با تجزیه یک دعوی به چند دعوی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲.

### ب) منابع حقوق فرانسه

- 1) Cadiet, Loïc (2016) , Connexité, Répertoire de procédure civile.
- 2) Cadiet. distinction entre les demandes incidentes et les demandes connexes.
- 3) Cadiet. Loïc. 2016. Connexité, Répertoire de procédure civile, décembre.
- 4) Catherine Tirvaudey-Bourdin. 2018. Compétence. – Exception d'incompétence, paris: Juris Classeur Procédure civile.
- 5) Didier, Cholet (2006) , La célérité en droit processuel, LGDJ.
- 6) Guinchard. Serge. 2021. Droit Processuel Civil. Dalloz.
- 7) Magendie, Jean-Claude (2004) , Célérité et qualité de la justice. La gestion du temps dans leprocès. Rapport remis au Garde des sceaux, La documentation française.
- 8) Pierre Ancel. Jean. 2019. Les connexités et la concentration des litiges. Revue Trimestrielle de Droit Civil.
- 9) Vincent, Jean. 2001. Procédure Civile, paris, Dalloz.
- 10) vizoz, Revue trimestrielle de droit civ, paris: Sirey.
- 11) Xavier Marchand, Jimmy Sérapienian. 2017. Demande Reconventionnelle, Paris.